

# پیامبر کے زرتشت

پڑو ہشہ در نیہ انکارے

علی مصلح



پیامبر کے زرتشت  
پڑو ہشہ در نیہ انکارے  
علی مصلح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه: مصلح، علی، ۱۳۶۲-  
عنوان و نام پدیدآور: Mosleh, Ali  
مشخصات نشر: پیامبری زرتشت: پژوهشی در نبی‌انگاری / علی مصلح.  
قم: مؤسسه فرهنگی طه، کتاب طه، ۱۴۰۰.  
مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.  
شابک: ۷-۵۵-۷۲۶۰-۶۲۲-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۰۹ - ۳۳۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
موضوع: زردشت، پیامبر ایرانی  
موضوع: Zoroaster  
موضوع: زردشتی - تاریخ  
موضوع: Zoroastrianism - History  
رده‌بندی کنگره: BL۱۵۷۲  
رده‌بندی دیویی: ۲۹۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۶۶۹۳۸

© همه حقوق این اثر محفوظ است.

هر گونه تکثیر، انتشار، اقتباس و تلخیص یا ترجمه همه یا بخشی از این کتاب به هر صورت (چاپ، کپی، صوت، تصویر، انتشار در فضای مجازی) بدون اجازه کتبی ناشر و نویسنده ممنوع است و به موجب «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» پیگرد قانونی دارد. نقل مطلب از این کتاب در حد متعارف و با ذکر منبع مجاز است.



---

پیامبری زرتشت  
پژوهشی در نبی‌انگاری  
علی مصلح

---



## پیامبری زرتشت

پژوهشی در نبی‌انگاری

علی مصلح

ناشر: کتاب طه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰

شابک: ۷-۵۵-۷۲۶۰-۶۲۲-۹۷۸

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

مدیر تولید: مهدی گلزاری

ویراستار: زینب صالحی

صفحه‌آرایی: زهرا سادات موسوی فر

طراح جلد: سیداحمد میری

چاپ و صحافی: بوستان کتاب

قم: بلوار معلم، مجتمع ناشران، طبقه سوم، واحد ۳۱۴، انتشارات کتاب طه

دفتر انتشارات ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۴ ۶۲۴

دورنویس ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۳ ۶۲۴

فروشگاه مرکزی (کتابسرای طه) ۰۲۵ ۳۷۸ ۴۸ ۳۲۶

📍 tahabooks

✉ ketabtaha@gmail.com

📷 ketabtaha

[www.ketabtaha.com](http://www.ketabtaha.com)

کتابسرای طه: کتابفروشی آنلاین  
ارسال به سراسر کشور

تقدیم به

قله نشین صبر و وفا

نوشنده جام بلا

غمگسار رنج و محن کرب و بلا

حضرت زینب کبری علیها السلام



## فهرست

پیش‌گفتار.....	۱۱
فصل اول: چیستی نبوت و کیستی زرتشت .....	۱۵
۱. پیامبرشناسی.....	۱۵
۱.۱. تعریف نبوت.....	۱۷
۲.۱. معیار نبوت.....	۱۸
۲. زرتشت‌شناسی.....	۱۹
۱.۲. نام زرتشت.....	۱۹
۲.۲. زمان زندگی زرتشت.....	۲۴
۳.۲. خاستگاه زرتشت.....	۳۳
۴.۲. زرتشت و مغان.....	۴۰
۵.۲. مدفن زرتشت.....	۴۴
۶.۲. کتاب زرتشت.....	۴۷
فصل دوم: پیامبری زرتشت از دیدگاه زرتشتیان .....	۵۷
۱. نبوت زرتشت در گات‌ها.....	۵۸
۱.۱. هات و خشوری و بعثت زرتشت.....	۵۸
۲.۱. پیامبری زرتشت در تتبع واژگانی ترجمه‌های گات‌ها.....	۶۰
بررسی و نقد.....	۶۷
۲. ادله پیامبری زرتشت در دیگر بخش‌های اوستا.....	۹۷



۹۷	..... یسنا	۱.۲
۹۹	..... بررسی و نقد	
۱۰۱	..... یشت‌ها	۲.۲
۱۰۴	..... بررسی و نقد	
۱۰۷	..... ویسپرد	۳.۲
۱۰۹	..... بررسی و نقد	
۱۰۹	..... وندیداد	۴.۲
۱۱۰	..... بررسی و نقد	
۱۱۲	..... ادله نبوت زرتشت در متون پهلوی و پارسی	۳
۱۱۳	..... ۱.۳. رخدادها و معجزات پیش از زایش زرتشت	
۱۳۷	..... ۲.۳. معجزات زرتشت پس از پیامبری	
۱۵۶	..... بررسی و نقد	
۱۷۱	..... فصل سوم: پیامبری زرتشت از دیدگاه مستشرقان	
۱۷۱	..... ۱. زرتشت شمنی	
۱۸۱	..... بررسی و نقد	
۲۰۰	..... ۲. زرتشت سیاست‌مدار	
۲۰۳	..... بررسی و نقد	
۲۰۶	..... ۳. زرتشت، مجدد آیین هندوایرانی	
۲۰۸	..... بررسی و نقد	
۲۱۰	..... ۴. زرتشت، پیامبرِ ثنویت	
۲۱۲	..... بررسی و نقد	
۲۱۴	..... ۵. زرتشت، منادی یکتاپرستی	
۲۱۸	..... بررسی و نقد	
۲۲۷	..... فصل چهارم: پیامبری زرتشت از دیدگاه مسلمانان	
۲۲۸	..... ۱. مجوس‌شناسی	
۲۲۸	..... ۱.۱. واژه‌پژوهی مجوس	
۲۳۰	..... ۲.۱. ادیان ایرانیان باستان	
۲۳۳	..... ۳.۱. فرقه‌های مجوس	
۲۳۷	..... ۴.۱. مجوس: «من له شبهة کتاب» یا «اهل کتاب»	

۲۴۵	۵.۱. اهل کتاب دانستن مجوس
۲۴۶	۶.۱. مجوس در قرآن کریم
۲۴۹	۷.۱. مجوس در روایات اسلامی
۲۵۳	۲. ادله قائلان به پیامبردروغین (متنبی) بودن زرتشت
۲۵۳	۱.۲. ناپیامبری زرتشت در روایات اسلامی
۲۵۸	۲.۲. ناپیامبری زرتشت در اخبار تاریخی
۲۶۰	۳.۲. انکار نبوت دیگر پیامبران
۲۶۲	۴.۲. تقدم مجوسیت بر زرتشت
۲۶۲	۵.۲. ناپیامبری زرتشت بر اساس نقد کتاب زرتشت
۲۶۶	۶.۲. ناپیامبری زرتشت بر اساس نقد معجزات زرتشت
۲۶۸	۷.۲. ناپیامبری زرتشت در نقل‌های کنایی
۲۷۱	۸.۲. ناپیامبری زرتشت در فتاوا و مرزبندی کلامی اعتقادی
۲۷۶	۳. دلایل قائلان به پیامبری زرتشت
۲۷۶	۱.۳. استناد به آیات و روایات و استنباط از آن
۲۷۷	بررسی و نقد
۲۷۹	۲.۳. ناروایی تهمت ثنویت به منادی توحید
۲۸۵	۳.۳. یکی‌انگاری برخی انبیای الهی با زرتشت
۲۸۷	بررسی و نقد
۲۹۶	۴.۳. پیامبری زرتشت در آثار مورخان و فلاسفه
۳۰۵	سخن پایانی
۳۰۷	منابع
۳۳۱	نمایه
۳۳۱	اصطلاحات
۳۳۵	مکان‌ها
۳۳۶	اشخاص



## پیش‌گفتار

اخبار، گزاره‌ها و تحلیل‌ها از هویت زرتشت آن قدر متباین‌اند که از این کهن‌چهره، صد گمان و اسطوره پرداخته‌اند و وی را به ده‌ها رشته بسته‌اند. سزا است که بگویند زرتشت پژوهی بسان جورچینی است که اشکال مختلف را به واسطه چینش‌های مختلف به دست می‌دهد و هرچینش، سازه و مفهومی می‌پروراند، مغایر با تمام سازه‌ها و مفاهیم قبلی! چنان‌که برخی زرتشت را اولین پیامبر الهی و منشأ همه ادیان معرفی می‌کنند و دعوی خود را از دل گاهان می‌جویند و می‌جویند و دیگرانی زرتشت را پایه‌گذار حکمت و فلسفه می‌خوانند و پندار خویش را به اخبار فلاسفه و فهلویون مزین می‌کنند. عده‌ای نیز زرتشت را منجم و از پایه‌گذاران علم نجوم و تنجیم می‌دانند یا تنظیم گاه‌شمار و حتی تدوین بسی علوم غریبه و همچنین علم‌الحروف را به او منسوب می‌کنند و برای وصول به این تصویر، رشته‌ای از گزارش‌ها را به هم پیوند می‌دهند؛ و باز می‌توان کسانی همچون هرتسفلد را یافت که زرتشت را سیاست‌مدار یا دسیسه‌گر سیاسی در عصر هخامنشی می‌شناسانند. با انبوه این برساخته‌های مبهم و اخبار مجمل می‌توان زرتشت را از پایه‌گذاران تصوف ایرانی معرفی کرد، یا می‌توان وی را از خاندان سلاطین مادی خواند و او را شاه مغان نامید.

کوتاه سخن آنکه، زرتشت بیشتر بر ساخته می شود نه اینکه شناخته شود. بسته به آن است که با چه پیش زمینه‌ای وارد این عرصه شوند و ذهن مستعدشان را به دست کدام صاحب سخن بسپارند و کدام سند را بیابند و کدام نزد ایشان معتبر افتد؛ اما سیاه‌نمایی هم سزاوار نیست که چپ‌نشین صحیح اسناد و تبیین روشمند تحلیل‌ها، مناسب با قوی‌ترین گزاره‌ها، می‌تواند پژوهنده را به نزدیک‌ترین طریق به واقع برساند.

دیگر سخن اینکه، هیچ وفاق و اجماع و اتفاق نظری در بین زرتشت پژوهان نمی‌یابید مگر بر یک جمله و آن جمله این است: «هیچ اتفاق نظری در شناخت این دین و شخصیت اول آن نیست».

پیامبری زرتشت موضوع پر مناقشه‌ای است که هر گروه به گونه‌ای در رد یا اثبات آن، ادله و شواهدی مطرح کرده است. کهن بودن شخصیت زرتشت، تشویش اسناد، ناهمگونی آنها از لحاظ اعتبار، تجمیع نکردن یک‌باره نظریات، و فقدان بررسی، تجزیه و تحلیل جامع موجب شده است مسئله پیامبری زرتشت همچنان در هاله‌ای از ابهام بماند.

غفلت از اسناد اصیل، دل‌پستن به آثار علمی جهت‌دار مستشرقان، بکرماندن منابع اسلامی و غیر علمی خواندن آنها و روی گردانی مطلق از آنها زنگ خطری است که بر فضای جوامع علمی سایه افکنده و پرده‌های غفلت را بر جامعه علمی امروز گسترانده است. بیشتر آنچه تاکنون محققان بدان پرداخته‌اند با پیش فرض پیامبری وی بوده و به دنبال این پیش فرض، شخصیت، زندگی و تعالیم زرتشت را بررسی کرده‌اند؛ این پیش فرض تا جایی است که زرتشت را اولین پیامبر و نظریه پرداز برای انبیای بعدی معرفی می‌کنند. برخی دیگر نیز کوشیدند با استناد به آیات و روایات و انطباق آنها با زرتشت، وی را از پیامبران صاحب کتاب و شریعت معرفی کنند. در مقابل این دیدگاه، دیگرانی پیامبری زرتشت را اجمالاً نقد کرده، با استفاده از برخی منابع اسلامی با تفکیک بین مجوس و زرتشت، پیامبری را از وی نفی می‌کنند. پژوهش حاضر رساله سطح سه

حوزوی نویسنده است که در سال ۱۳۸۹ موضوعش به تصویب رسید و در سال ۱۳۹۴ با راهنمایی حجة الاسلام والمسلمین رسول رضوی دفاع شد. امید است این پژوهش با تبیین روشمند، موضوع پیامبری زرتشت را از ابهامی برهاند که بر اثر هجمه‌های گسترده تبلیغاتی و همراهی مجامع علمی با موج ناسیونالیسم به وجود آمده است.

امتیاز خاص این کتاب، پرداختن به نبوت زرتشت از سه دیدگاه متفاوت زرتشتیان، مستشرقان و مسلمانان خواهد بود تا در نهایت ادله موافقان و مخالفان پیامبری زرتشت را بررسی و نقد کند.

در پایان از همه کسانی که در سیر این پژوهش مرا یاری کردند و همچنین از دوست گرامی ام‌جناب آقای غلامحسین علیپور که پیگیر نشر و چاپ این اثر بود، صمیمانه قدردانی می‌کنم.

والسلام علی من اتبع الهدی

علی مصلح

۲۴ آذرماه ۱۳۹۹



## فصل اول

### چیستی نبوت و کیستی زرتشت

گام نخست در هر پژوهش علمی، بررسی مصطلحات و تبیین اولیات است. چنان‌که از نام کتاب هویدا است، «پیامبری» و «زرتشت» کلیدواژگان اصلی این نوشتارند که یکی از مقوله مفهوم‌شناسی است و باید حدود و ثغورش مشخص شود و دیگری از مقوله هویت‌شناسی است و باید ممیزات فردی و شخصیتی‌اش مبرهن شود. دیگر آنکه، وقتی سخن بر سر پیامبری زرتشت است، آنچه به مناسبت به ذهن متبادر می‌شود، کتاب منسوب به زرتشت است. پس طبیعی است که مسائلی از اوستا نیز گزیده بیان شود.

#### ۱. پیامبرشناسی

ادیان مختلف جهان سرچشمه مشترکی ندارند و تنوع ساختاری، نقیصه‌ای بر دین بودن ساختارهای متضاد ایجاد نمی‌کند. هر کیش منظومه اعتقادی و آیینی خود را در قالبی متناسب با ویژگی‌های درونی خود بنا می‌نهد و الزامی به رعایت ساختارهای دیگر ادیان ندارد و تعدی از مفاهیم صنفی از ادیان، آنها را از دین بودن خارج نمی‌کند. چنان‌که قرآن کریم در اطلاق «دین» به کفر و شرک



و بت پرستی دریغ نکرده و فرموده است: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٌ»<sup>۱</sup>. همچنین، از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل است که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله با ادیان پنج‌گانه مناظره کردند: یهود و نصارا و دهریه که منکران معادند و عالم را در همین چند روز دنیا می‌بینند، و ثنویان که دوگانه‌انگارند و نور و ظلمت را به دو مبدأ نسبت می‌دهند و مشرکان عرب که بتان را شفیعان الاهی می‌شمردند»<sup>۲</sup>. با وجود این تنوع ساختاری، امیرالمؤمنین علیه السلام از دین شمردن هیچ کدام از کیش‌ها دریغ نکردند و حاضران در آن مناظره را اهالی پنج دین خواندند. شاید بتوان در تعریفی کلی از دین که البته قرار نیست سره را از ناسره جدا کند و دین حق را از دین باطل تمایز بخشد، چنین گفت: دین مجموعه‌ای از باور و آیین است که اساس و معیار زندگی باورمندان قرار می‌گیرد.

اگر تنوع ساختاری در بنیان ادیان پذیرفتنی است، پس الزامی به تک‌صنفی بودن منادیان آنان نیست و چه بسا در کیشی ضرورت وجود رسول و منادی منتفی است. ادیان در یکی از تقسیم‌بندی‌ها به ادیان نبوی و غیرنبوی تقسیم می‌شوند. ادیان شرقی عموماً غیرنبوی خوانده می‌شوند و پیامبری از مؤلفه‌های دینی‌شان نیست. هرچند پیامبری و نبوت پایه ادیان ابراهیمی است و شاکله دین ابراهیمی بدون حضور نبی معیوب است ولی در ادیان شرقی و اشراق‌محور، که وحی شعوری خاص و ارتباط ویژه نبی نیست، و راه وصال به پیام‌های آسمانی منوط به ارسال رسل به گونه ادیان ابراهیمی نشده و جنس اخبار و گزارش از آسمان متفاوت است، نبود پیامبری از سنخ نبوت ابراهیمی لطمه‌ای به شاکله‌اش وارد نمی‌کند. اینکه امروزه مؤلفه‌های ادیان متجانس را در دین‌هایی ناهمجنس بجوییم یا ویژگی‌های دین‌های هم‌سنخ را به ادیان غیرهم‌سنخ نسبت دهیم، در نهایت اشکال است.

۱. کافرون: ۶.

۲. طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۲۲.

## ۱.۱. تعریف نبوت

نبوت، موهبت<sup>۱</sup> سفارت بین خداوند عزوجل و بندگان<sup>۲</sup> و دارندگان عقل<sup>۳</sup> سلیم است. این تعریفی است که محققان ادیان ابراهیمی با اختلاف در کیفیت و حدود و ثغور به آن اذعان دارند. در قاموس عهد عتیق آمده است: «نبوت لفظی است که مقصود از آن اخبار از خدا و امورات دینی به تخصیص اخبار از امور آینده می باشد».<sup>۴</sup> هینلز، نویسنده کتاب فرهنگ ادیان جهان، نبوت یهودی و مسیحی را این گونه توصیف می کند: «وحی های کتاب مقدس بر این بنا شده اند که خدا با برخی برگزیدگان از طریق الهام نبوی تماس برقرار می کند».<sup>۵</sup>

البته بسط معنای «نبوت» و اطلاق آن به «پیش گویی»<sup>۶</sup> و «کهنانت»<sup>۷</sup> در عهدین،<sup>۸</sup> تعریف جامع و مانع آن را در یهودیت و مسیحیت ناممکن می کند. در کتب کلام اسلامی، «نبوت» به «برانگیخته شدن انسان از سوی حضرت حق به سوی خلق»<sup>۹</sup> اطلاق شده است. اما ادیان غیر ابراهیمی خدامحور، چون باور به پیامبری را در آموزه های خویش ندارند،<sup>۱۰</sup> تعریفی از نبوت، به عنوان شرح باورهای دینی خویش مطرح نکرده اند، هرچند شاید بتوان تعریف عالم متأخر زرتشتی را تلاشی ناکارآمد و تعبیری برای مصالحه بخشی بین ادیان محسوب کرد که در

۱. «موهبة من الله تعالى، ونعمة منه على عبده»؛ آمدی، غایة المرام فی علم الکلام، ص ۲۷۴.
۲. جمعی از نویسندگان، شرح المصطلحات الکلامیة، ص ۳۶۲؛ تفتازانی، شرح العقائد التفسیة، ج ۱، ص ۱۸۹.
۳. «التَّبَوُّةُ: سِفَاةٌ بَیْنَ اللَّهِ وَبَیْنَ ذَوِی الْعُقُولِ مِنْ عِبَادِهِ لِإِزَاحَةِ عِلْمِهِمْ فِی أَمْرٍ مَعَادِهِمْ وَمَعَانِيهِمْ»؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۴۰۵.
۴. هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۸۷۳.
۵. هینلز، فرهنگ ادیان جهان، ص ۶۳۲.
۶. دوران و دوران، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۶۹.
۷. برچم، بررسی تطبیقی مسائل وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین، ص ۲۰۵.
۸. طاهری آکردی، یهودیت، ص ۱۷۳؛ برچم، بررسی تطبیقی مسائل وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین، ص ۳۷۵.
۹. تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۵؛ قوشچی، شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۷۵.
۱۰. نک: منزوی، «اشراق هند و ایرانی و نبوت اسرائیلی».

تعریف پیامبر چنین می نویسد: «بنا بر اعتقاد پیروان ادیان خاور دور، به ویژه هندو (هندو)، پیغمبران خدایانی می باشند که در طی ادوار مختلفه برای راهنمایی بشر به جسم انسانی حلول [می کنند] و به جهان خاکی قدم می گذارند»<sup>۱</sup>.

واضح است که هیچ سنخیتی بین تعریف نبوت در ادیان ابراهیمی و این گونه تعاریف وجود ندارد، چنان که زروانی به درستی می گوید: «در واقع، مفهوم نبوت چنان که مسلمانان عقیده دارند، جایگاهی در دین هندو (هندوایرانی) ندارد»<sup>۲</sup>. در نتیجه سزاوار است که ادیان در قالب ریخته شده خود بررسی شوند.

### ۲.۱. معیار نبوت

پذیرش ادعای نبوت برای شناخت انبیای راستین از مدعیان دروغین منوط به وجود معیارها و شاخصه هایی است. از میان صاحبان اندیشه، متکلمان اسلامی، به ویژه متکلمان شیعی، دقیق ترین ملاک های عقلی را با پشتوانه های برهانی برای تشخیص دادن انبیای الهی از پیامبران دروغین بیان کرده اند و شرایطی هم برای نبوت بر شمرده اند که مجموع آنها چنین است:

۱. انجام دادن معجزه و کاری خارج از عادت توأم با ادعای پیامبری<sup>۳</sup>
۲. تصریح پیامبر پیشین (که از روی دلیل های قطعی نبوتش تصدیق شده) بر نبوت پیامبر پسین
۳. شواهد و قرینه های عقلی<sup>۴</sup>

۱. شهردان، پیامبری زرتشت، ص ۱۴.

۲. زروانی، «براهمه در آثار متکلمان مسلمان»، ص ۴۳-۵۶.

۳. مفید، النکت الإعتقادیة، ص ۳۵؛ حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۴۷۴؛ طوسی، الاقتصاد فیما یعلق بالاعتقاد، ص ۲۵۰؛ نیآوردی، أعلام النبوة، ص ۴۲؛ شبر، حق الیقین فی معرفة أصول الدین، ص ۱۲۸.

۴. سبحانی، الإلهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل، ج ۳، ص ۱۱۷؛ همو، رسائل و مقالات، ج ۱، ص ۳۷.

۴. عصمت و پاکی از گناهان صغیره و کبیره و مصونیت از خطا، اشتباه، سهو، فراموشی و شک<sup>۱</sup>
  ۵. علم و دانایی موهبتی که از راه‌های عادی و آموزش کسب نکرده باشد.<sup>۲</sup>
  ۶. پاکی از عوامل نفرت، در نَسَب، طبع،<sup>۳</sup> اخلاق<sup>۴</sup> و احوال<sup>۵</sup>
  ۷. انطباق مضمون دعوت با فطرت و حکم عقل<sup>۶</sup> و فقدان تناقض در دعوت‌های صورت‌گرفته، احتجاج‌ها و احکام صادرشده
  ۸. مقاومت در برابر سختی‌ها و مشکلات پیش رو تا پای جان، و ابلاغ دعوت با ایمان راسخ و ثبات قدم در ادعای خویش.
- هرچند هر یک از این قرینه‌ها به تنهایی نمی‌تواند برای انسان یقین‌آور باشد، ولی مجموع شواهد دلیل قاطعی بر صدق ادعای نبوت در باور ادیان ابراهیمی است.<sup>۷</sup>

## ۲. زرتشت‌شناسی

### ۱.۲. نام زرتشت

«زَرْتُوِشْتَرَه اسپیتمه» نامی است که سراینده گات‌ها خود را بدان می‌خواند.<sup>۸</sup> این نام در فرهنگ‌ها، تاریخ‌ها، و شعر و ادب پارسی با اشکال گوناگون ضبط شده است، از جمله: زَرَاتُشْت، زارِهشت، زارَدِهشت، زارْدُشت، زارْتِهشت، زَرَاهُشت،

---

۱. طوسی، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، ص ۲۶۰؛ نصیرالدین طوسی، تجرید الاعتقاد، ص ۲۱۳؛ حلی، نهج الحق و كشف الصدق، ص ۱۴۲؛ شوشتری، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۲، ص ۱۹۶.

۲. سهروردی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص ۹۵؛ صدرالدین شیرازی، مفاتیح الغیب، ص ۱۴۵.

۳. ابن‌بدرالدین، ینایع النصیحة فی العقائد الصحیحة، ص ۲۸۰.

۴. فیض کاشانی، أنوار الحکمة، ص ۲۰۲.

۵. سیوری، إرشاد الطالبین إلی نهج المسترشدین، ص ۳۰۵.

۶. طیب، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام، ص ۱۵۷.

۷. سبحانی، الإلهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل، ج ۳، ص ۱۲۰.

۸. یسنا، هات ۲۹، بند ۸.

زَرَه دُشت، زَرَه هُشت، زُرُوآسترو معمول تر از همه زردشت و زرتشت. جالب اینکه اختلافات زرتشت پژوهی صرفاً راجع به زمان و مکان، خاندان، پیروان، شخصیت و پیام‌های وی نیست، بلکه حتی بر سر معنای نام «زرتشت» هم اختلاف دارند،<sup>۱</sup> از جمله:

۱. یونانیان، و به دنبال ایشان برخی از مستشرقان، کلمه ترکیبی «زرتشت» را دارای معنای ستاره با پسوندهای مختلف از قبیل ستاره پرست، ستاره شناس، فرمانروای ستارگان، ستاره زرین و پسر ستاره دانسته‌اند.<sup>۲</sup>
۲. بسیاری از محققان و مستشرقان معاصر به کمک علم زبان‌شناسی و دیگر قرائن، از جمله فضای نام‌گذاری در عصر گات‌ها، این اسم را دارای معنای صاحب شتر با پسوندهایی همچون دارنده شتر زرد، دارنده شتر خشمگین و جسور، شخم‌زننده با شتر، و ساربان شتر می‌دانند.<sup>۳</sup>
۳. برخی محققان زرتشتی، نظیر آذرگشسب و پوروالا، چنین تعبیر می‌کنند که نام اصلی زرتشت، «اسپیتمه» بوده و هنگامی که به پیامبری مبعوث شده لقب «زرتشت» به او داده شده است. این نام ترکیبی از «اوش» به معنای سوزاندن و درخشیدن، و «زر» به معنای زرین و طلایی است. گاو وحشی در بین هندوان «اوشترا» نامیده می‌شود، زیرا دارای رنگ سوخته است. از این توجیه نتیجه می‌گیرند که «زرت اوشتر» یعنی کسی که چهره‌اش از نور خدا درخشان است و به عبارت دیگر، هاله‌ای از نور بر گرد چهره او است. آذرگشسب می‌نویسد: «اسفتمان پس از رسیدن به مقام پیامبری با کنیه زرتشت

۱. رضی، متون شرقی و سنتی زرتشتی، ج ۱، ص ۲۰.

۲. یامالوجی، ایران و ادیان باستانی، ص ۵۵۰؛ آشتیانی، زرتشت: حکومت و مزدیسنا، ص ۴۶؛ رضی، متون شرقی و سنتی زرتشتی، ج ۱، ص ۱۶.

۳. بویس، اسموسن و بار، دیانت زرتشتی، ص ۸۱؛ دیاکونوف، تاریخ ماد، ص ۳۵۳؛ آشتیانی، زرتشت: حکومت و مزدیسنا، ص ۴۷؛ رضی، متون شرقی و سنتی زرتشتی، ج ۱، ص ۱۶؛ سایکس، تاریخ ایران، ج ۱، ص ۱۳۵.

مفتخر گردید، بنابراین سخنی نامعقول است اگر بگوییم پیامبر پس از رسیدن به چنین مقام والای روحانیت، به لقب دارنده شتر پیر یا زردرنگ مفتخر گردیده است.<sup>۱</sup> او به غریبان انتقاد می‌کند که نادانسته زرتشت را با حیوان گردن دراز مربوط کرده‌اند و سپس نتیجه می‌گیرد: «زرتشت دارای مفهوم کسی که چهره‌اش از نور خداوندی روشن است و هاله‌ای از روشنایی گرد سرش می‌درخشد می‌باشد». <sup>۲</sup> وی می‌نویسد: «شتر حیوانی نبود که در بین آریان‌های ایرانی اهمیت داشته باشد تا دارنده آن به خود مباهات کند... بنابراین دارنده شتران زردرنگ و پیر و خشمگین هیچ چسبندگی با نام پیامبر ایران ندارد». <sup>۳</sup>

۴. حبیب‌الله نویخت درباره معنای ترجمه نام «زرتشت» چنین می‌نویسد:

نام «زرتشت» آنکه به اصل نزدیک ترمی باشد است که در فرهنگ دویج نقل شده است و این کلمه نه به معنای صاحب شتر زرد و سرخ و امثال این خرافات است که برخی دانشمندان و گذشتگان گفته‌اند و نه به معنای فروزنده آتش است و نه به معنای ستاره سرخ یا ستاره طلایی، چنان‌که گوستاو کارپلز... در کتاب تاریخ ادبیات شرقی... ضبط کرده است. بلکه نگارنده در ضمن چهل و پنج سال مطالعه در تاریخ زرتشت وجه تسمیه او، با این نام معلوم کردم که زرتشت گذشته از مقام پیغمبری، یکی از پادشاهان بزرگ ماد بوده است، و نام او نیز مرکب از سه کلمه: ۱. «زارا»، ۲. «نشت»، ۳. «را». «زارا» به معنای بحر و دریا - و «نشت» به معنای بز (و با زبان ما، «دشت») و - «را» به معنای پادشاه - و ترجمه آن می‌شود پادشاه خشکی‌ها و دریاها - یعنی همان لقبی در عصر متأخر زبان عربی و به گونه «سلطان البرّ والبحر» ترجمه گردیده و کیسراً روم امپراتور ترک را سالیان دراز با این لقب نامیده‌اند و گاه نیز سلطان البرّین و خاقان البحرین

۱. آذرگشسپ، گات‌ها: سروده‌های زرتشت، ج ۱، ص ۱۸۸.

۲. همان، ص ۱۸۹. ۳. همان، ج ۱، ص ۱۸۹. ۴. کیسیر: قیصر.

خوانده‌اند و این معنا از شکل این نام به خوبی واضح است، زیرا «ذارا» و «ذاریو» با فارسی اصل کلمه «دریا» است و هنوز هم در قاموس عرب به گونه معرب «زاره» محفوظ است و حتی آنکه اسپهبد فرخان پادشاه مازندران را «مرزبان الزاره» نامیده‌اند، یعنی حکم‌دار دریا - و کلمه «تشت» و «دشت» نیز پیدا است که به معنای برّاست و مقصود از آن قسمت‌های خشکی زمین است و «را» و «رأی» با زبان آریایی قدیم به معنای پادشاه است، چنانچه در کلمه «اهورا» و «هورا» می‌نگریم و رأی هند یعنی پادشاه هند - و این کلمه آریایی را ایرانیان بر پادشاهان مصر نیز اطلاق کرده‌اند، چنانچه هنوز در کتیبه‌های مصری مشهود است و عرب آن را با کلمه «رَع» معرب کرده است و گاه نیز با همان گونه «را» خوانده است، و داریوش در تل‌المخشته مصر، آنجا که مجسمه خود را ساخته خود را بنده «را، رَع» می‌خواند، یعنی خدای مصری‌ها و کلمه مصر نیز معرب «مذارا» یعنی سرزمین «را» می‌باشد و این کلمه «را» به اضافه «هو» و به گونه هورا - نام پادشاه آسمان، یعنی نام آفتاب شده است که مدت‌ها معبود آریاها بوده است و بعداً زرتشت با اضافه الف نافیه، یعنی «آ»، خدای آفریننده را نامیده و اهورا گفته است، یعنی نه خورشید بلکه خالق خورشید!

جلال‌الدین آشتیانی در طعن و نقد قول آذرگشسب و پورروالا، که قابلیت تسری به قول اخیر هم دارد، می‌گوید:

آیا لزومی دارد کلمه مشخص و معینی را که در تنها مدرک قابل اعتماد ذکر شده، تغییر شکل دهیم و به منظور تحمیل نظر خاصی تفاسیر غریب برای توجیه خود کشف کنیم و یا به امید اهمیت دادن به زرتشت افسانه‌پردازی کنیم و او را چون پرده‌های قدیم تعزیه خوانی و آدمک‌های کلیسایی با هاله‌ای از نور مجسم سازیم؟ ... چنین ابرمردانی عظمتشان

در کلامشان نهفته است و نور و درخشش آنها در پیامشان منعکس گردیده و هرگز به چنین بازرگرمی‌ها احتیاج ندارند ... در جامعه رمه‌دار سه هزار سال قبل که چارپایان و رمه بزرگ‌ترین سرمایه کوچگران بود، اغلب اسامی‌شان با نام‌های این حیوانات اهلی ترکیب می‌شده است. نام گاو و اسب و شتر، که سه عامل اصلی در زندگانی مردم خوارزم و زادگاه زرتشت، بوده است و ترکیب نام‌های این مردم به فراوانی به کار گرفته می‌شده است. در اوستا و حتی گاتاها ما به نام‌های مرکبی در ارتباط با اسب مانند: (ارچاسپ) ارجت اسپه [به معنای] صاحب اسب راهوار، اوروانت اسپه (لهراسب) پدر ویشتاسپ به معنای تیزاسب، پوروشسب پدر زرتشت به معنای دارنده اسب پیر،<sup>۱</sup> ویشتاسپه حامی مشهور زرتشت [به معنای] دارنده اسب سرکش، جاماسپه از پیروان برجسته زرتشت [به معنای] دارنده اسب اصیل، هچت اسپه جد زرتشت [به معنای] دارنده اسبان زیاد، هواسپه [به معنای] دارنده اسب خوب، چتوراسپه [به معنای] آنکه چهاراسب برگردونه دارد، کرشاسپه [به معنای] صاحب اسب لاغر، هباسپه [به معنای] صاحب اسب اصیل و ژاسپه [به معنای] صاحب اسب بزرگ. و در ارتباط با گاو مانند: دوغدوه به معنای دوشنده شیرگاو نام مادر زرتشت، هوگووه [به معنای] صاحب گاو خوب نام فامیل فرشوشترو و جاماسب، گوه‌ین [به معنای] صاحب گاومیش، و پرشت گوه [به معنای] دارنده گاو ابلق.

و مرکب از اسم شتر: فرش‌اوشتره [به معنای] صاحب شتر تیز [رو] یا درخشان یا جسور (از پیروان مشهور زرتشت) اوراوشتره به معنای آنکه شترش می‌غرد و هواشتره [به معنای] صاحب شتر خوب.

نام‌های فوق نمونه‌هایی از ترکیب اسامی دوران رمه‌داری است در شرق ایران و به خصوص مناطق خوارزم تا خراسان امروز رواج کامل داشته است. برخلاف



نظر آذرگشسب، شتر در مسکن زرتشت بسیار اهمیت داشته و بنا به استدلال صحیح هینتس، شِدر، آلتهمیم و... اصولاً این منطقه مهم‌ترین سرزمین تربیت شتر در عهد باستان بوده است. ترکیب نام‌های خاص و اسامی افراد با اسب و گاو و شتر برای بالیدن به این چارپایان نبوده است و به طوری که در بالا دیده شد نمی‌توان گفت، کسی به اسب لاغر خود افتخار می‌کند و رسمی بوده است... آذرگشسب که به نام فروشتر و قرابت آن با نام زرتشت متوجه است می‌نویسد: «در اوستا فقط به نام دو نفر برخورد می‌کنیم که با او شتر ختم می‌شود و این دو یکی زرتشت و دیگری فروشتر (فرش اوستره) است و هر دو اوستره معنای روشنایی را می‌بخشد. حال اگر زرتشت به دلیل پیامبری‌اش لقب آن که در سرش هاله‌ای از نور است داده شده، به فرش اوستره چه کسی و به چه مناسبت کنیه درخشندگی و نورانی شدن داده است؟»<sup>۱</sup>

باری، ابهام معنای زرتشت همچنان باقی است، چه اینکه زبان مرده اوستایی جز حدس و گمان روزنه‌ای برای شناخت ندارد.

## ۲.۲. زمان زندگی زرتشت

چهار نظریه اصلی درباره زمان زندگی زرتشت مطرح است:

### الف. روایات سنتی و اقوال متکی بر آن

طبق آنچه از روایات سنتی زرتشتیان برگرفته از کتب پهلوی بندهشن،<sup>۲</sup> ارداویراف‌نامه<sup>۳</sup> و گزیده‌های زادسپرم<sup>۴</sup> به دست می‌آید زمان زندگی زرتشت به سده‌های ششم و هفتم قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد. مورخان اسلامی همچون مسعودی<sup>۵</sup> و بیرونی نیز، با اعتماد به این منابع پهلوی و زرتشتی، زمان زندگی

۱. آشتیانی، زرتشت: حکومت و مزدیسنا، ص ۵۰.

۲. دادگی، بندهش، ص ۱۵۶. ۳. ارداویراف‌نامه، ص ۴۱.

۴. راشد محصل، وزیدگی‌های زادسپرم، ص ۷۳؛ آموزگار و تفضلی، اسطوره زندگی زرتشت، ص ۱۴۴.

۵. مسعودی، التنبيه والإشراف، ص ۸۵.

زرتشت را ۲۵۸ سال قبل از حمله اسکندر دانسته و تاریخ آن را ۵۵۸ قبل از میلاد مسیح ذکر کرده‌اند. برخی از مستشرقان همچون یوستی، وست،<sup>۱</sup> هنینگ،<sup>۲</sup> هرتسفلد،<sup>۳</sup> آلتهم،<sup>۴</sup> هرتل، هینتس،<sup>۵</sup> میه، دارمستتر،<sup>۶</sup> آسموسن،<sup>۷</sup> نیبرگ،<sup>۸</sup> زئر،<sup>۹</sup> جکسون، سایکس،<sup>۱۰</sup> یوزف ویسهوفر،<sup>۱۱</sup> دولاندلن،<sup>۱۲</sup> سوکولوف،<sup>۱۳</sup> دوشن‌گیمن<sup>۱۴</sup> و همچنین شهبازی<sup>۱۵</sup> نیز با تمسک به روایات سنتی و قرائن و تحلیل‌هایی که مطرح کرده‌اند، به تاریخ‌هایی در این حدود دست یافته‌اند.<sup>۱۶</sup> در مقابل، آرتور کریستین سن ضمن اشاره به داستان گیومرث تا ولادت زرتشت از کتب پهلوی، و انتقاد از پژوهشگرانی که به این روایات داستانی جنبه تاریخی بخشیده‌اند، در نقد روایات سنتی می‌نویسد:

تاریخ رسمی و سنتی ایرانیان قدیم، علاوه بر این موضوع، مایه ایجاد زحماتی نیز برای زرتشتیان شده است. توضیح آن است که در پایان هریک از سه هزاره‌ای که عهد زرتشت را از دوره آخرالزمان جدا می‌کند، جهان دچار آشوب و فتنه‌ای می‌شود و پیغامبری جدید ظهور خواهد کرد. بدین ترتیب

۱. کریستین سن، مزدابرسی در ایران قدیم، ص ۳۱.
۲. هنینگ، زرتشت: سیاست مدار یا جادوگر، ص ۱۰۹.
۳. همان، ص ۴۷.
۴. ویسهوفر، قیام گئوماته و آغاز پادشاهی داریوش اول، ص ۱۱.
۵. هینس، داریوش و ایرانیان، ص ۷۲.
۶. دارمستتر، تفسیر اوستا، ص ۱۰۳.
۷. بویس، اسموسن و بار، دیانت زرتشتی، ص ۸۳.
۸. نیبرگ، دین‌های ایران باستان، ص ۴۶.
۹. زئر، طلوع و غروب زرتشتی‌گری، ص ۳۷.
۱۰. گرانوسکی و دیگران، تاریخ ایران، ج ۱، ص ۱۳۷.
۱۱. ویسهوفر، قیام گئوماته و آغاز پادشاهی داریوش اول، ص ۱۱۲.
۱۲. دولاندلن، تاریخ جهانی، ج ۱، ص ۵۲.
۱۳. سوکولوف، «نگاهی به تاریخچه اوستا»، ص ۷۴۲.
۱۴. دوشن‌گیمن، دین ایران باستان، ص ۱۸۸.
۱۵. آموزگار و تقضلی، اسطوره زندگی زرتشت، ص ۱۶.
۱۶. آشتیانی، زرتشت: حکومت و مزدیسنا، ص ۸۲.

بنا بر تاریخ رسمی زرتشتیان که عهد زرتشت را در حدود ۶۳۰ پیش از میلاد مسیح تعیین کرده است، می‌بایست به سال ۳۷۰ بعد از ولادت مسیح، اولین پیغمبر معهود ظهور کند. از بیم فتنه‌هایی که ممکن بود از فکر پایان یافتن نخستین هزاره بعد از زرتشت در میان مردم ایجاد شود، در آغاز دوره ساسانی بر آن شدند که در تاریخ دست برند و در فاصله بین ظهور زرتشت و واقعه‌ای اردشیر بابکان، تغییر و تقلیلی ایجاد کنند، به نحوی که پایان اولین هزاره بعد از زرتشت، چند قرن، باز پس برده شد و ۵۶۶ سال فاصله بین فتح ایران به دست اسکندر و ظهور اردشیر به حدود ۲۶۰ سال تقلیل یافت. با این کیفیت چه مانعی دارد که پیش از واقعه ساسانیان، تاریخ عهد زرتشت را به همین نحو، چند قرن، به جلو نیاورده باشند تا در هزاره بعد از او تقلیلی حاصل کنند و عهدی را که می‌بایست پیغامبر جدید ظهور کند، به عقب اندازند.<sup>۱</sup>

هرچند گاردو نیولی هم بر دستبرد اردشیر بابکان در تاریخ تأکید دارد و کشف این راز را مدیون هوشیاری و دقت مسعودی،<sup>۲</sup> تاریخ‌نگار مسلمان می‌داند، پژوهشگرانی همچون سید حسن تقی‌زاده صغری این استدلال را نپذیرفته‌اند و دخالت عمدی اردشیر بابکان و نتایج این استدلال را نمی‌پذیرد.<sup>۳</sup> دکتر علی شریعتی نیز نقد روایات سنتی را توطئه‌ای غربی دانسته و آن کسانی را که روایات سنتی را با تمسک به زبان‌شناسی و اقوال یونانی یا محاسبات نجومی نقد کرده و برای زرتشت تاریخ‌تراشی می‌کنند، بازی خورده غرب یا غربی می‌داند که در راستای غرب‌پرستی گام برداشته‌اند. وی می‌گوید:

اکسیدانتالیسم یعنی مذهب غرب‌پرستی و اعتقاد به اینکه در دنیای امروز فقط یک تمدن وجود دارد، که تمدن غربی است و دیگران یا باید تمدن

۱. کریستین سن، مزدپرستی در ایران قدیم، ص ۳۲.

۲. مسعودی، التنبیه والإشراف، ص ۸۴.

۳. فیروزی، «زمان زرتشت: باور کنونی یا دیدگاه کهن»، ص ۱۸۳.

غربی را انتخاب کنند و متمدن بشوند و یا در وحشی‌گری و انحطاط بمانند. این شعاری است که در دنیا اعلام کرده‌اند و به خورد همه می‌دهند و روشنفکران دنیا عملاً پذیرفته‌اند که اغلب برای متمدن شدن جز اینکه نظام‌ها یا مصالح تمدن غربی را اخذ و مصرف کنند، چیز دیگری به ذهنشان نمی‌رسد.

به نظر می‌آید اکسیدانتالیسم (اصالت غرب) موفق شده است، چراکه در فرهنگ امروز، ارزش‌های مشخصی می‌بینیم که همه ارزش‌های غربی است. غرب هرچه را که بوده و هست، شکلی غربی داده است. ملاک‌های امروزی همه غربی است و برای تاریخ و فلسفه و دین و اخلاق نیز دارند ریشه‌هایی اروپایی می‌یابند! مثلاً: زرتشت در قرن ششم پیش از میلاد متولد شده و نهضت موسی در ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۰ پیش از میلاد است. یعنی موسی در حدود ۳۲۹۰ تا ۳۳۰۰ سال پیش [بوده]، در صورتی که زرتشت ۲۶۰۰ سال پیش بوده است و ابراهیم بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ پیش از میلاد، یعنی در حدود ۴۰۰۰ سال قبل.

اما یکبار می‌بینیم فلان متفکر و نویسنده ما می‌نویسد که زرتشت چهار هزار سال قبل به دنیا آمده است، یعنی آریایی‌ها ۱۴۰۰ یا ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح (۳۵۰۰ سال پیش) به ایران آمده‌اند و زرتشت که چهار هزار سال پیش (و به قولی ۵۰۰۰ سال و به قولی دیگر ۶۰۰۰ سال و به روایتی ۷۰۰۰ سال! پیش) به دنیا آمده بود، ۵۰۰ سال در ایران خالی از سکنه می‌ماند تا آریایی‌ها بیایند و پیام رسالتش را بشنوند! حال چرا متفکران جدید دست به این انقلابات تاریخی (!) می‌زنند، مسئله‌ای است که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

غربی برای هرچه هست ریشه‌ای غربی یافته است، علم و فلسفه و هنر از یونان سرچشمه گرفته است و همه ملت‌ها و نژادها از آن سرچشمه اروپایی است که می‌نوشتند، اما در مورد مذهب، غربی نتوانسته است ریشه‌ای

یونانی بسازد و مدعی شود که مذاهب بزرگی که انسان را از پرستش بت‌ها، جانوران، گیاهان، اشیا و قوای طبیعت، رهایی بخشیده‌اند و به توحید رهنمون شده‌اند از یونان برخاسته‌اند و افتخارش از اروپا و اروپایی است. برای زرتشت تاریخ تولدی تازه می‌سازد، با اختلاف چند هزار سال، و چنان سخن می‌گوید که گویی مثلاً توحید ابراهیم و مذهب موسی از زرتشت آریایی نشئت یافته‌اند و پدر همه مذاهب بزرگ، پیغمبر آریایی و نژاد آریا است (نگاه کنید به کتاب‌هایی نظیر مزدیسنا و تأثیر آن در ادب فارسی، که به زبان فارسی و به وسیله مسلمانان فارسی‌زبان نوشته شده است). با حساب جدیدی که غربی، و غرب‌زده، می‌کند، همه مذاهب خودبه‌خود به ریشه نژاد ژرمن و نژاد آریایی باز می‌گردند و اینها انحصاراً هم بنیان‌گذار فلسفه و علوم غربی هستند و هم به‌وجودآورنده اخلاق و عرفان و مذهب شرقی می‌شوند، که همه، حتی بودا، و نیز لائوتسو و کنفوسیوس، یعنی پیغمبران چینی هم که آریایی نبوده‌اند، به بعد از زرتشت آریایی افتاده‌اند.

پس همه علوم، از جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی گرفته تا علوم انسانی، و اخلاق و مذهب و عرفان هر چه هست، بر خطی میان آتن و فرانسه جاری‌اند، و در شرق همیشه ابهامی از احساسات و خیالات و موهومات بوده و هست. فقط یونانی است که انسان است و هر که غیر یونانی، بربر و وحشی. این طرز تفکر یونانی است، به کتاب‌های تاریخشان نگاه کنید؛ جنگ میان ما و آنها جنگ یونانیان و بربرها است، نه مبارزه یونان و ایران، و اکنون نیز این طرز تفکر هست.<sup>۱</sup>

### ب. دیدگاه مبتنی بر مقایسه‌های زبان‌شناختی و باستان‌شناختی

محققان بسیاری در قرن بیستم، به‌خصوص در نیم قرن اخیر، اغلب روایات سنتی را در خور اعتماد ندانسته‌اند و بر پایه شواهد زبان‌شناختی

۱. شریعتی، تاریخ و شناخت ادیان، ص ۳۲.

و باستان‌شناختی ظهور زرتشت را در هزاره اول پیش از میلاد یا کمی عقب‌تر تا نیمه نخست هزاره دوم پیش از میلاد حدس زده‌اند، از جمله: ادوارد مایر،<sup>۱</sup> شِدر، بارتولومه،<sup>۲</sup> لومل، وِزندونگ، رودلف، علی‌یف،<sup>۳</sup> مولتون، هومل، میلز، آلدنبرگ، کوئیپر، رامپیس، گیگر، اشپیگل، ویندیشمان، هیپل، لاسن، مارکورات، ویدنگرن،<sup>۴</sup> مری بویس،<sup>۵</sup> نیولی،<sup>۶</sup> کریستین سن،<sup>۷</sup> آندرا، کلمن، کیت، و تیل. گلدنر، دونکرو و جکسون نیز که در ابتدا روایات سنتی را پذیرفته بودند در آخرین نظریه خود با این طیف همراه شدند.<sup>۸</sup>

دوشن‌گیمن در نقد این نظریه متکی بر شواهد زبان‌شناختی می‌نویسد:

بحثی که عموماً به تاریخ پیش‌تری (نسبت به تاریخ سنتی) استشهد می‌کند بر مبنای شواهد زبان‌شناختی است؛ ادعا می‌شود که گائا و وداها در مرحله مشابهی از تکامل است؛ ادعا می‌شود که گائا باید به هزار سال پیش از میلاد متعلق باشد. اما ما می‌دانیم که دو زبان هم‌جوار می‌توانند با شتاب‌های متفاوت تکامل یابند، برای نمونه زبان دانمارکی بسیار سریع‌تر از زبان آلمانی و حتی سوئدی تکامل یافت.<sup>۹</sup>

هایده معیری نیز با وارد کردن ایرادهایی بر نظریه متکی بر مقایسه‌های زبان‌شناختی در انتها می‌نویسد: «گاه‌شماری زبان، علمی کاملاً نامطمئن است».<sup>۱۰</sup>

۱. نیبرگ، دین‌های ایران باستان، ص ۴۵.

۲. نیولی، از زردشت تا مانی، ص ۴۵.

۳. علی‌یف، پادشاهی ماد، ص ۲۶.

۴. ویدنگرن، جهان معنوی ایرانی از آغاز تا اسلام، ص ۱۲۴.

۵. بویس، آیین زرتشت کهن روزگار و قدرت ماندگارش، ص ۶۳.

۶. نیولی، از زردشت تا مانی، ص ۴۵.

۷. کریستین سن، مزدآپرستی در ایران قدیم، ص ۳۹.

۸. نیولی، از زردشت تا مانی، ص ۴۵؛ آشتیانی، زرتشت: حکومت و مزدیسنا، ص ۸۱.

۹. دوشن‌گیمن، دین ایران باستان، ص ۱۸۷.

۱۰. معیری، مغان در تاریخ باستان، ص ۵۶.